

طوبی اردلان - محسن برومند، جوان‌تر از آن است که وی را قدیمی محله بنامیم، اما دانستن سیرتاپایز تاریخ محله «نوفل لوشاتو» به واسطه سکونت ۳۳ ساله در این محدوده شهر باعث شده بخشی از سال‌هایی را که ساکنان این محل آن را تاریخ خود می‌دانند، در کلمات او جست‌وجو کنیم. محسن برومند که ۴۶ سال را پشت‌سر گذاشته، به خوبی تاریخ محل سکونت خود را از سال ۱۳۵۷ تا به امروز به یاد دارد و با خاطراتش زندگی می‌کند. پای حرف‌های او نشستیم و چند روایت را درباره نوفل لوشاتو مرور کردیم.

مرور بخشی از تاریخ
و آداب و رسوم محله نوفل
در گفت‌وگو با محسن برومند

محله‌ای که خشت به خشت آن را مردم بالا بردند

اولین مدرسه محله به دست خود اهالی ساخته شد

«دوران کودکی من بزرگ شدنم با کارهای اجتماعی و حوادث انقلاب گره خورده است؛ برای همین ما مردم محله نوفل یاد گرفته‌ایم که با همکاری و گروهی، کارهایمان را پیش ببریم و موفق هم می‌شویم؛ برای مثال، زمین مدرسه که به دلیل عدم همکاری آموزش و پرورش، به صورت زمین خالی رها شده بود، یکی از همین پروژه‌های اجتماعی محله بود که همه اهالی محله دریا گرفتن آن سهیم هستند؛ در واقع پروژه مردمی ساخت مدرسه توسط خود اهالی محله نوفل یک نمونه خوب برای تعریف اتحاد و همبستگی در آبادانی محلات به‌شمار می‌رود.

خاطریم هست در آن روزها ما که بچه‌های قدونیم قدهفت تا هشت سال بودیم، دیوار چینی دور تا دور زمین مدرسه را انجام دادیم و اگر بگوییم خودم به عنوان سردمدار، بچه‌ها را جمع کردم و با برنامه‌ریزی و کمک بچه‌ها کارها را جلو بردیم و مدرسه را ساختیم، گراف نگفته‌ام؛ البته این به آن معنا نیست که ما بچه‌ها بنایی کرده باشیم، بلکه ما در حد بردن و آوردن آجر و مصالح کمک می‌کردیم؛ در واقع باتوجه به سن و سالمان هر کاری که از دستان برمی‌آمد، کوتاهی نمی‌کردیم. اوایل انقلاب بود که با همکاری افراد محله، دور چینی و ساخت کلاس‌های مدرسه انجام گرفت و محله نوفل صاحب مدرسه شد.

آن روزها مردم باهم همدل‌تر بودند و آمار مشارکت‌های اجتماعی بالا بود؛ مثلاً زمانی که ساخت مدرسه تمام نشده بود، یکی از ساکنان محله، زیر زمین خانه‌اش را در اختیار ما دانش‌آموزان و محصلان قرار داده بود تا از درس و کتاب بی‌بهره نمانیم. یاد می‌آید که من کلاس دوم ابتدایی ام را در خانه همین همسایه گذراندم.»

گشت‌زنی شیفتی بزرگ‌ترها برای برقراری

امنیت

«مجموع خانوارهای ساکن در محله ما بین سال ۵۷ تا ۶۰ از ۲۰ خانوار بیشتر تجاوز نمی‌کرد. در آن دوران محله ما کالانتری نداشت و به علت کم‌بودن سکنه نسبت به وسعت محله، تا سال ۶۵ بزرگ‌ترهای محل برای برقراری امنیت و حفاظت از منطقه به صورت شیفتی گشت‌زنی می‌کردند. از سال ۶۰ به بعد مهاجرت به محله بیشتر شد و خدا را شکر

محله کارمندان ارشد آستان قدس

«خانواده ام سال ۱۳۵۷ باروبنه‌شان را از خیابان شهید بهشتی جمع کردند و ساکن محله نوفل لوشاتو شدند. من و برادرانم در این محله بزرگ شدیم، ازدواج کردیم و فرزندانمان هم در همین محله قد کشیدند. در حقیقت ما به توصیه دایی ام که کارمند آستان قدس بود، به اینجا آمدم، زیرا در دورانی که عبدالعظیم ولیان، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی را عهده‌دار بود، اکثر ساکنان محله رضاشهر را کارمندان ارشد آستان قدس تشکیل می‌دادند. بعد از انقلاب هم قرار بر این بود که زمین‌های شهرک نوفل لوشاتو را به کارمندان ارشد آستان قدس تحویل دهند، بنابراین دایی بنده پیش‌بینی می‌کرد اینجا آینده خوبی داشته باشد و افرادی که کارمند و یا فرهنگی هستند نیز جذب این محله شوند.»

نوفل، قرار بود بانام «تعاونی مسکن

بیمارستان امام رضا (ع)» تابلو بخورد

«پدرم در سال ۱۳۵۶ قطعه زمینی در این نقطه شهر خرید و یک سال بعد هم با کمک دایی دیگرم که معمار بود، خشت به خشت خانه پدری‌مان را بالا بردیم و سقف زدیم. خاطرم هست که آن روزها برای نظارت بر روند ساخت خانه، در زمین بایر محله نوفل چادر زدیم و در واقع جزو اولین چادرنشینان این محله محسوب می‌شویم.

نام اولیه این شهرک نیز بنا به گفته خداایامرز دایی ام، آقای حاج محمود شاکری منش، که از کارمندان قدیمی بیمارستان امام رضا (ع) بود، قرار بوده «تعاونی مسکن بیمارستان امام رضا (ع)» باشد، اما به دلیل تقارن تحویل این زمین‌ها با حوادث انقلاب، این نام به «نوفل لوشاتو» تغییر کرد. همان‌طور که می‌دانید این نام اصلی دهکده‌ای در پاریس است که امام خمینی (ره) در آن جاساکن بودند؛ البته اصل اسم فرانسوی آن «نوف لوشاتو» است که عوام اصطلاحاً به آن «نوفل لوشاتو» می‌گویند.

در خصوص کاربری‌های هم‌جوار زمین‌های مسکونی این محله باید بگوییم که از ابتدا قرار بود محله نوفل، ۳ فاز تجاری، مذهبی (مسجد) و درمانی داشته باشد. یک زمین خالی کنار مسجد وجود داشت که قرار بود خانه بهداشت شود، اما متأسفانه هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاد.»

